

چهارم اینکه ؛ هدف قانونگذار از مواد و....قانون ثبت ایجاد امنیت در خرید و فروش ملک و اعتبار به اسناد رسمی باشد و اگر چنین باشد که هر شخصی ملک دیگری را بفروشد و بعد مدعی اذن در فروش از جانب فروشنده باشد و در نتیجه اینچنین قرارهایی نیز از مرجع عدل صادر گردد قطعاً اتفاقات ناگواری رخ خواهد داد. همانند ۱- بی اعتمادی جامعه به هر نوع معامله اعم از خرید و فروش ۲- نگرانی و ایجاد استرس و اضطراب در مالک هر مال در اینکه مبدا ملکش به همین راحتی از دست برود آنهم به ناحق و ۳- عبث و بیهوده بودن عمل قانونگذار از تصویب قانون ثبت

پنجم اینکه ؛ اگر مشتکی عنه یا وکیل ایشان مدعی هستند اسناد و مدارک مبنی بر اذن موکل دارند، ارائه نمایند که هر چند قطعاً از ارائه چنین سندی عاجز و ناتوان می باشند.

ششم اینکه ؛ مشتکی عنه و وکیل ایشان در دادگاه حقوقی اقدام به طرح دعوا مبنی بر اثبات اذن نموده اند در صورتی که طرح چنین دعوایی از اساس غلط بوده و می باشد. و متذکر می گردد که ؛ موکل به هیچ عنوان اذن به مشتکی عنه نداده است.

هفتم اینکه ؛ عرف مسلم جامعه چنین ادعای واهی و بی اساسی را نمی پذیرد و نخواهد پذیرفت. و آیا قاضی محترم صادر کننده قرار خود قایل به چنین موردی حتی برای خود یا نزدیکانش می باشد؟ که پاسخ منفی خواهد بود.

لذا؛ با توجه به مراتب فوق استدعای نقض قرار صادره و سپس محکومیت مشتکی عنهبه اقدام به فروش مال غیر متمنی است.

با تجدید احترام میثم شفیعی